

معاونی ری هیئتوں ، لارا لاو ہارڈین
مریم رئیس



سرشناسه: هیتون، آنتونی ری Hinton, Anthony Ray
 عنوان و نام پدید آور: در بند اعدام/ نویسنده: آنتونی ری هیتون، لارا لاو هاردین: [با مقدمه برایان استیونسون]: مترجم: مریم رئیس.
 مشخصات نشر: تهران: نشر خوب، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۲۶۶ص. ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۸۳-۰۲-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

The sun does shine : how I found life and freedom on death row, 2018

یادداشت: عنوان اصلی: 2018

موضوع: محاکمه‌ها (قتل) — ایالات متحده — بسمر / Alabama — Bessemer — Trials (Murder) /
 هویت اشتباه — ایالات متحده / United States — Mistaken identity — بند محکومان به اعدام — ایالات متحده — بسمر /
 Alabama — Bessemer — Death row — حکم اعدام — ایالات متحده / Capital punishment — United States

زندانیان محکوم به مرگ — ایالات متحده / United States — Death row inmates

شناسه افزوده: هاردین، لارا لاو — شناسه افزوده: Hardin, Lara Love

شناسه افزوده: استیونسون، برایان، 1۹۵۹ - م. مقدمه نویسی / Stevenson, Bryan 1959

شناسه افزوده: رئیس، مریم، 1۳۶1 - مترجم

رده بندی کنگره: ۳۶۲/۶۶۰۹۲

رده بندی دیویی: K۴۲۴۴

شماره کتاب شناسی ملی: ۵۸۵۲۶۸۳

۹۰۰۷۳۰۱

نشر خوب | ناشر کتاب ای-کتاب

در بند اعدام

نویسنده: آنتونی ری هیتون - لارا لاو هاردین

مترجم: مریم رئیس

ویراستار ادبی: سحر غفاری

ویراستار فنی: پریسا توکلی - سپیده پاشایی

طراح جلد نسخه فارسی: وحید پناهی شایق

آماده سازی و صفحه‌آرایی: سجاده قربانی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیم

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۸۳-۰۲-۰

نویت چاپ: اول - ۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: پرسیکا

صحافی: مهرگان

قیمت: ۵۸۰۰۰ تومان



۰۲۱-۶۳۵۶۲



www.khoobb.com



info@khoobb.com

مقدمه

آنتونی هینتون^۱ در سوم آوریل سال ۲۰۱۵ میلادی، پس از گذراندن نزدیک به سی سال در سربال انفرادی بند محکومان به اعدام زندان آلاباما آزاد شد. این زندانی محکوم به اعدام، یک از طولانی ترین دوره های محکومیت را در آمریکا گذراند و در نهایت تبرئه و آزاد شد. بسیاری از ما حتی تصورش را هم نمی توانیم بکنیم که دستگیری، متهم شدن به انجام جرمی وحشتناک، زندانی شدن، به اشتباه مجرم شناخته شدن و محکومیت به اعدام، چقدر حسی دارد، آن هم فقط به این دلیل که پول کافی برای دفاع از خود نداشته ایم. خیلی ها حتی تصور چنین شرایطی برایشان سخت است، ولی مهم است که بدانیم مشابه این اتفاق در آمریکا بسیار رخ می دهد و لازم است افراد بیشتری دست به کار شده و جلوی این اتفاقات را بگیرند.

آنتونی هینتون در خانواده ای سیاه پوست و فقیر در شهرستان آلاباما بزرگ شد. او یاد گرفت با زیرکی و دقت، شاهد حقایق تلخ قوانین جدایی گیم کرو^۲ باشد. او شاهد تبعیض نژادی و رنج های سیاه پوستان بود. مادرش به او یاد داد که هرگز به نژاد کسی توجه نکرده و به خاطر رنگ پوست آدم ها درباره شان قضاوت نکند. او بسیار در برابر این فکر مقاومت کرد که دستگیری، متهم شدن و محکومیت اشتباهش به دلیل رنگ پوستش بوده است، اما در نهایت نتوانست توجیه دیگری بیابد. آقای هینتون نمونه انسان سیاه پوست فقیری است که در نظام عدالت کیفری گیر افتاده بود، نظامی که با گناهکاران ثروتمند بهتر تا می کرد تا با بی گناهان فقیر!

1. Anthony Ray Hinton

۲. Jim Crow؛ قوانین ایالتی و محلی برای جداسازی سیاه پوستان از سفیدپوستان. - م.

حس شوخ طبعی اش موهبتی بود که با تکیه بر آن می توانست بر محدودیت های نژادی ای غلبه کند که بسیاری از زندانیان سیاه دیگر گرفتارش بودند. آنتونی که کارگری پیمانکار بود، تا حدود سی سالگی با مادرش زندگی می کرد و تا قبل از دستگیری اش، به هیچ رفتار خشونت آمیزی متهم نشده بود.

یک شب که مشغول تی کشی زمین انبار در بسته یک سوپرمارکت در شهر بسمر^۱ آلاباما بود، بیست و پنج کیلومتر آن طرف تر، فردی مسلح مدیر رستورانی را که داشت از محل کارش به خانه برمی گشت ربود، وسایلش را دزدید و به او شلیک کرد. قربانی که از این حادثه جان سالم به در برده بود بعداً به اشتباه آقای هینتون را به عنوان مرتکب شناسایی کرد، اما هینتون در زمان وقوع جرم، کیلومترها دورتر، در مکان تحت راقبتی مشغول کار بود، نگهبان آن ساختمان ورود و خروج همه افراد را ثبت کرده بود. پلیس با مراجعه به خانه مادر آنتونی، یک اسلحه کمری قدیمی کالیبر ۳۸ به دست آورد. پزشکی قانونی ایالت آلاباما اعلام کرد از اسلحه کشف شده نه تنها در سرقت و سوء قصد ناف جام اخیر، بلکه در دو فقره سرقت منجر به قتل دو مدیر رستوران در هنگام رب محب کارسان در منطقه بسمر نیز استفاده شده است. با توجه به شواهد مرتبط با اسلحه، آنتونی دستگیر و به ارتکاب هر دو قتل متهم شد. دادستان های ایالتی اعلام کردند که متنبال مجازات اعدام خواهند بود. تست دستگاه دروغ سنج پلیس بی گناهی آنتونی را تأیید کرد، اما مقامات ایالتی این اطلاعات و شواهد را نادیده گرفتند و بر اثبات هر دو اتهام و مجازات اعدام پافشاری کردند.

در جلسه محاکمه، وکیل تسخیری آنتونی نتوانست کارش را به خوبی انجام دهد، پیدا کند تا ادعاهای نادرست مقامات ایالتی، درباره اسلحه مادرش را، رد کند. آنتونی چهارده سال تمام نتوانست بی گناهی اش را ثابت کند، فقط چون به امکانات حقوقی لازم دسترسی نداشت. من در سال ۱۹۹۹ میلادی با آقای هینتون ملاقات کردم و به شدت تحت تأثیر رفتارش قرار گرفتم. تصمیم برای کمک به آنتونی دقیق، صادق،

روراست، مهربان و شوخ طبع کار سختی نبود؛ هر چند که بسیار نگران مسیر دشواری بودم که برای اثبات بی‌گناهی‌اش در پیش داشتم.

به کمک همکارانم در مؤسسه «عدالت برابر»، سه تن از بهترین بازرسان سلاح گرم کشور را وارد پرونده کردیم. هر سه نفر شهادت دادند که اسلحه ضبط شده از منزل مادر آنتونی با شواهد جرم همخوانی ندارد. چهارده سال دیگر طول کشید تا بالاخره پس از دادخواهی‌های اعتراضی و یک حکم نادر به اتفاق آرا از دیوان عالی آمریکا، در سال ۲۰۱۴ میلادی آنتونی از زندان آزاد شد. در مدتی که آنتونی در بند اعدامی‌های ایالت آلاباما بود پنجاه و چهار زندانی را درست از جلوی سلول او برای اجرای حکم به اثر اعدام بردند. این اتفاق فقط ده متر با سلول او فاصله داشت.

تنها دلگرمی آنتونی در سال‌های طولانی حبس در بند اعدامی‌های زندان آلاباما، یکی از دوستان دوران کودکی‌اش بود که در این سی سال حتی یک هفته هم نشد که به ملاقاتش نرود. لستر بیل، می‌خواه‌است کاری کند که آنتونی احساس تنهایی و رهاشدگی نکند. آنتونی یاد گرفت با آدم‌های دوروبرش ارتباط عمیقی برقرار کند. به شکلی که تابه‌حال ندیده بودم، در بند اعدامی‌ها برای خودش یک هویت ساخته بود. او نه تنها به زندگی دهه‌ها زندانی دیگر معنا بخشید، بلکه نقش مهمی نیز در زندگی زندانبان‌ها داشت. آن‌ها در هر زمینه‌ای که فکرش را کنید، از ازدواج و مسائل اعتقادی گرفته تا پستی و بلندی‌های زندگی روزمره، با آنتونی درددل کرده و از او مشاوره می‌گرفتند.

باآنکه پرونده آنتونی سال‌ها موجب ناامیدی و درماندگی او شده بود، خود من هم بعد از صدور هر حکم معارض شب‌ها تا صبح خوابم نمی‌برد، اما خبری که در زندان ایالتی هولمان^۲ باهم ملاقات می‌کردیم، همه شاهد فضایی شاد و سرخوش بین ما بودند. این همان قدرت فوق‌العاده‌ی هینتون و روحیه بی‌ظیرش بود.

در طول دوران کاری‌ام، برای ملاقات با صدها موکل به زندان‌ها و بازداشتگاه‌های بسیاری رفته‌ام. معمولاً در این ملاقات زندانبان‌ها یا کلاً من را نادیده می‌گرفتند یا

1. Lester Bailey

2. Holman

حضورم را تحمل می کردند. حتی گاه پیش می آمد که کارمندان زندان من را آزار می دادند، چون ظاهراً از ملاقات حقوقی زندانیان خوششان نمی آمد. ملاقات با ری هینتون با همه ملاقات های حقوقی من فرق داشت. قبل از سال های طولانی کار بر روی پرونده ری، هرگز ندیده بودم که این همه نگهبان و زندانبان و کارمند، من را به کناری کشیده و بخواهند در این مسیر کمکی بکنند یا بپرسند چه کاری ازشان برمی آید. من هرگز چنین تجربه ای نداشتم!

در این سی سال تجربه کاری ام، وکالت چندین و چند زندانی محکوم را عهده دار رده ام. بسیاری از موکلانم بی گناهیانی بودند که به اشتباه محکوم یا گناهکار شناخته شده بودند، اما هیچ یک به اندازه آنتونی ری هینتون در من ایجاد انگیزه نکرده بودند. من مطمئن هستم که در میان منحصربه فرد و پرکشش او برای تمام افراد جامعه مان و برای تمام کسانی که در مرتبه دنیا این کتاب را می خوانند الهام بخش و جذاب خواهد بود. خواندن این داستان، بشواری ضروری است. ما باید از واقعیت های نظام قضایی کشورمان، از بقایای تعصب نژادی در آمریکا و اینکه چطور این موضوع ممکن است موجب رفتارهای ناعادتی و غیره نصفا شود آگاه باشیم. باید از خطرات ناشی از سیاست که همان چیزی است که موجب سیستم اعدام در کشور ما شده، فضا را برای حرکات سیاسی باز کرده و به دادگاه ها و مقامات رسمی اجازه داده که چنین رفتارهای غیرمسئولانه ای در پیش گیرند، آگاه باشیم. ما باید از کرامت انسانی و از قدر و منزلت انسان بیشتر بدانیم. باید این حقیقت را بپذیریم که ما انسان ها چیزی بیشتر از آن بدترین رفتاری که داشته ایم هستیم. دادستان آنتونی ری هینتون به ما در درک برخی از این مشکلات کمک کرده و برایمان معنا و نجاتی پیروزی و بخشش را آشکار می سازد.

ری هینتون پس از آزادی، به عنوان یک سخنران عمومی فوق العاده مشغول فعالیت شد و تأثیر بسزایی بر زندگی مخاطبان خود گذاشت. توانایی او در ترکیب شوخ طبعی با احساسات عمیق انسانی و روایتگری جذاب و گیرا در بیان داستان سفر دردناک ولی درنهایت پیروزمندانه اش و ایجاد انگیزه در شنونده، از ویژگی های

نادر اوست. پیام بخشی که او برایمان دارد می‌تواند به شکل‌های متفاوتی جلوه کند و خود من دیده‌ام که او چگونه می‌تواند با حرف‌هایش طیف وسیعی از آدم‌های مختلف از دادستان‌ها و افسران پلیس اصلاح‌ناپذیر گرفته تا دانش‌آموزان و نوجوانان آسیب‌پذیر را تحت تأثیر قرار دهد.

داستان او حکایتی است از بخشش، دوستی و پیروزی در فضایی نژادپرستانه، پر از تلخ، فقر و البته تحت سلطه یک نظام قضایی غیرقابل اعتماد. ری هینتون داستان محکومی را برایتان روایت می‌کند که سفری پر از رنج و شکنجه را در دروازه‌های مرگ تحمل کرده و باین حال هرگز اجازه نداده که خدشه‌ای به امید، بخشندگی و اصالتش وارد شود. این کتاب در حقیقت داستان یک معجزه است، زیرا بارها و بارها پشت مد که هر دوی ما گمان بردیم او هرگز نجات پیدا نخواهد کرد تا بتواند داستانش را روایت کند. پس همگی باید از نجات یافتن او خرسند باشیم، زیرا مشاهدات او، زندگی‌اش و مسیری که طی کرده، ماجرای الهام‌بخش و فراموش‌نشدنی است.

برایان استیونسون، وکیل